

پیش‌بینی میزان هوش اخلاقی بر اساس مؤلفه‌های مثبت و منفی تنظیم‌شناختی هیجان

مسالمان^{*}، مهدی زستانی^{**} و علی مهدوی^{***}

چکیده

هوش اخلاقی مفهومی جدید در عرصه علم است. پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی میزان هوش اخلاقی بر اساس مؤلفه‌های مثبت و منفی تنظیم‌شناختی هیجان در میان دانشجویان دانشگاه کردستان در سال ۹۵-۱۳۹۴ انجام شد. پژوهش حاضر از نوع توصیفی و جامعه آماری کلیه دانشجویانی بودند که در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ در دانشگاه کردستان تحصیل می‌کردند. تعداد ۲۱۳ نفر از دانشجویان به روش نمونه‌گیری در دسترس مطالعه شدند. از دو پرسشنامه هوش اخلاقی و تنظیم‌شناختی هیجان به عنوان ابزار جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. مؤلفه‌های تنظیم‌شناختی هیجان به عنوان متغیر پیش‌بین و هوش اخلاقی متغیر ملاک در نظر گرفته شد. داده‌های تحقیق با استفاده از آمار توصیفی، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون خطی چندگانه تجزیه و تحلیل شدند. نتایج پژوهش نشان داد که بین هوش اخلاقی با مؤلفه تنظیم‌شناختی هیجان مثبت (۳۰/۵۱۷) و (۰/۰۵) رابطه مثبت معنادار وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه در سطح (۰/۰۱) نشان داد که از بین متغیرهای پیش‌بین، تنظیم‌شناختی هیجان مثبت توانست هوش اخلاقی را تبیین کند. بر اساس یافته‌های پژوهش، می‌توان گفت افرادی که هوش اخلاقی بالاتری دارند، از تنظیم‌شناختی هیجان مثبت بهره‌مند هستند. با توجه به اینکه اخلاق‌مندی به عنوان سرمایه راهبردی برای مجموعه‌های انسانی مطرح است و پیش‌شرط زندگی اجتماعی کارآمد را تشکیل می‌دهد؛ بنابراین، راهبردهای مثبت تنظیم‌شناختی هیجان می‌تواند در پیشبرد هوش اخلاقی مفید باشد.

کلیدواژه‌ها

هوش اخلاقی، تنظیم‌شناختی، هیجان مثبت، هیجان منفی، دانشجویان، کردستان

مقدمه

هوش اخلاقی^۱ مفهومی جدید در عرصه علم است و ظرفیت ذهنی افراد برای تعیین این نکته

* نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد روان‌شناسی شناختی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران
mahsa.mosalman@yahoo.com

** استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

*** کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، مدرس مدعو دانشگاه پیام‌نور آمل، مازندران، ایران

DOI: 10.22051/jontoe.2018.19049.2112

مهم است که چگونه باید از اصول جهان شمول بشری در ارزش‌ها، اهداف و فعالیت‌ها در زندگی استفاده کرد (لنیک و کیل^۲، ۲۰۱۱، به نقل از ستوده و همکاران، ۱۳۹۵). هوش اخلاقی ظرفیت و توانایی درک درست از نادرست، اعتقادات قوی اخلاقی و عمل به آن‌ها و همچنین، رفتار در جهت صحیح و محترمانه تعریف شده است و شامل چهار اصل درست‌کاری (اعمال درست و صادقانه)، مسئولیت‌پذیری (پذیرش اعمال و پیامدهای آن)، دلسوزی (توجه همدلانه به دیگران) و بخشش (آگاهی از عیوب و اشتباهات و بخشیدن خود و دیگران) است (براون^۳، ۲۰۱۳، به نقل از ستوده و همکاران، ۱۳۹۵). افراد دارای هوش اخلاقی بالا، سعی می‌کنند کارهایشان را با توجه به اصول اخلاقی انجام دهند. مسئولیت اخلاقی نقش مهمی در ارائه مراقبت‌های بهداشتی ایفا می‌کند (لنیک و کیل، ۲۰۱۱، به نقل از ستوده و همکاران، ۱۳۹۵). نتایج برخی تحقیقات نشان‌دهنده نقش مثبت هوش اخلاقی و مؤلفه‌های آن در ارتقاء سلامت روانی و جسمانی است (لاولر^۴ و همکاران، ۲۰۰۵؛ کاکس^۵ و همکاران، ۲۰۱۲؛ مک‌بث و گاملی^۶، ۲۰۱۲). بنابراین، هوش اخلاقی به منزله یک راهنما برای رفتار و اعمال انسان عمل کرده و کمک می‌کند که اعمال هوشمندانه داشته باشیم (لنیک و کیل، ۲۰۰۸، به نقل از گلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۳).

هوش اخلاقی به این حقیقت اشاره دارد که ما به صورت ذاتی، اخلاقی یا غیر اخلاقی متولد نمی‌شویم، بلکه یاد می‌گیریم که چگونه خوب باشیم. یادگیری برای خوب بودن شامل ارتباطات، بازخورد، جامعه‌پذیری و آموزش است که هرگز پایان‌پذیر نیست، آنچه که ما برای انجام کارهای درست به آن نیاز داریم، همان هوش اخلاقی است که با استفاده از آن به یادگیری عمل هوشمندانه و دستیابی به بهترین عمل خوب نزدیک می‌شویم؛ در هر بخشی از زندگی به بهترین اطلاعات قابل دسترس می‌رسیم، خطرات را به حداقل می‌رسانیم و نسبت به پیامدهای آن خوش‌بین هستیم. افراد با هوش اخلاقی بالا، کار درست را انجام می‌دهند، اعمال آن‌ها پیوسته با ارزش‌ها و عقایدشان هماهنگ است، عملکرد بالایی دارند و همیشه کارها را با

-
1. Moral Intelligence
 2. Lennick and Kiel
 3. Brown
 4. Lawler
 5. Cox
 6. MacBeth and Gumley

اصول اخلاقی پیوند می‌دهند (مختاری‌پور و سیادت، ۱۳۸۸).

از طرف دیگر، هوش اخلاقی، توانایی درک درست از خلاف، داشتن اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آن‌ها است. اگر هوش را ظرفیت سازگاری با موقعیت جدید قلمداد کنیم، آنگاه اخلاق، ظرفیت سازماندهی ارزشی به این موقعیت را پوشش خواهد داد. همچنین پرورش ویژگی‌های شخصیتی استوار نیز در گرو تقویت هوش اخلاقی است (مظاهری‌راد، ۱۳۹۰، به نقل از مرتضایی و همکاران، ۱۳۹۲). در واقع بسیاری از رفتارها و اقدام‌های افراد، متأثر از ارزش‌های اخلاقی است و ریشه در اخلاق دارد (مرتضایی و همکاران، ۱۳۹۲).

اخلاق و تربیت اخلاقی، شاهراه پیش‌گیری از آسیب‌های روانی، اجتماعی و همچنین ریشه تمامی اصلاحات اجتماعی و وسیله مبارزه با مفاسد و ناهنجاری‌های جوامع است (وجدانی و همکاران، ۱۳۹۲، به نقل از احمدآبادی آرانی و همکاران، ۱۳۹۶).

از تصویربرداری مغز چنین نتیجه گرفته می‌شود که شناخت و هیجان عناصر اجتناب‌ناپذیر و جدایی‌ناپذیر انگیزش‌های اخلاقی هستند (مال و همکاران، ۲۰۰۸؛ به نقل از سمائی و همکاران، ۱۳۹۱).

تنظیم هیجان وجه ذاتی گرایش‌های پاسخ هیجانی است (آمستادتر^۱، ۲۰۰۸). در واقع تنظیم شناختی هیجان^۲ به تمام سبک‌های شناختی اطلاق می‌شود که هر فردی از آن به‌منظور افزایش یا کاهش و حفظ هیجان خود استفاده می‌کند (گراس^۳، ۲۰۰۱). در اصل در تنظیم هیجان به تعامل بهینه‌ای از شناخت و هیجان برای مقابله با شرایط منفی نیاز است (اچسنر^۴ و گراس، ۲۰۰۵). زیرا انسان‌ها با هر چه مواجه می‌شوند آن را تفسیر می‌کنند و تفسیرهای شناختی تعیین‌کننده واکنش‌های افراد است (عبدی و همکاران، ۱۳۸۹).

شناخت‌ها یا فرآیندهای شناختی به افراد کمک می‌کند که هیجان‌ها و احساس‌های خود را تنظیم کرده و با شدت هیجان‌ها مغلوب نشود (شریفی باستان و همکاران، ۱۳۹۵). تنظیم شناختی هیجان، به شیوه شناختی مدیریت و دستکاری ورود اطلاعات فراخوانده هیجان، اشاره دارد (اچسنر و گراس، ۲۰۰۵).

1. Amstadter
2. Cognitive Emotion Regulation
3. Gross
4. Ochsner

هم فرآیندهای شناختی و هم فرآیندهای هیجانی در قضاوت اخلاقی نقش دارند (گرین^۱ و همکاران، ۲۰۰۱). بررسی‌های راتهی و راستوجی^۲ (۲۰۰۸) نشان داد که هوش هیجانی بالا با عملکرد بهتر در زمینه‌های خودتنظیمی، ابراز وجود، استقلال، همدردی با دیگران، کنترل، خوش‌بینی و خودکارآمدی رابطه دارد. راهبردهای شناختی خودتنظیمی هیجان، فرآیندهای شناختی هستند که افراد برای مهار یا مقابله با افکاری به کار می‌گیرند که در موقعیت‌های استرس‌زا یا تهدیدکننده فعال می‌شوند. جوورمن^۳ و همکاران (۲۰۱۰) معتقدند که تنظیم هیجان از ویژگی‌های ذاتی و فطری آدمی است. تنظیم شناختی از هیجان یک پیش‌نیاز اساسی برای عملکرد اجتماعی سالم و دست نخورده است. کهن^۴ (۲۰۱۴) در پژوهش خود نشان داد که هوش زیست‌شناختی و هیجانی برای ظهور هوش اخلاقی لازم هستند و برای بقا، تولید مثل و سلامت از عواملان هوشمند اساسی اخلاقی هستند.

همچنین، شواهد فراهم شده از دستکاری هیجان‌ها و القا خلق بیان‌کننده این است که هیجان‌ها برای نگرش اخلاقی لازم هستند (ویتلی و هیدت^۵، ۲۰۰۵، اشنال^۶ و همکاران، ۲۰۰۸، به نقل از سور^۷، ۲۰۱۲، به نقل از شاه‌مرادی‌فر و همکاران، ۱۳۹۳). شواهد پژوهشی بیان‌کننده این است که موقعیت‌های اخلاقی معمولاً بار هیجانی دارند و هیجان‌ها نیز ارزیابی اخلاقی را هدایت می‌کنند، اما در موقعیت‌های خاص هیجان‌های که با موقعیت‌های اخلاقی مرتبط هستند ممکن است نیازمند ارزیابی مجدد شناختی^۸ برای کاهش پاسخ هیجانی ناخواسته شوند. در واقع نظم‌جویی هیجان ممکن است مهارتی باشد که موجب بهبود قضاوت‌های اخلاقی شود (هارنسکی و هامان^۹، ۲۰۰۵، به نقل از شاه‌مرادی‌فر و همکاران، ۱۳۹۳). برخی از محققان در تحقیق خود نشان داده‌اند که چگونه هوش اخلاقی باعث کاهش هزینه‌های ناشی از کنترل

-
1. Greene
 2. Rathi and Rastogi
 3. Joormann
 4. Kohn
 5. Wheatley and Haidt
 6. Schnall
 7. Sauer
 8. Cognitive Reappraisal
 9. Harenski and Hamann

می‌شود که بنیان آن بر اساس خلق اعتماد، اخلاق و ارزش‌های فردی است (لاو و ادریس^۱، ۲۰۰۵، به نقل از اسماعیلی طرزی و همکاران، ۱۳۹۱).

کسی که هوش اخلاقی بالایی دارد مسئولیت اعمال خود و پیامدهای آن اعمال، همچنین اشتباهات و شکست‌های خود را نیز می‌پذیرد (لنیک و کیل، ۲۰۰۵، به نقل از جهانیان و همکاران، ۱۳۹۲). شواهد بسیاری ثابت می‌کنند که افراد دارای مهارت هیجانی؛ یعنی کسانی که احساسات خود را به خوبی می‌شناسند، و آن‌ها را تنظیم می‌کنند و احساسات دیگران را نیز درک و به طرز اثربخشی با آن برخورد می‌کنند، در حوزه‌های مختلف زندگی موفق و کارآمد هستند (عیسی‌زادگان و همکاران، ۱۳۹۰).

با توجه به اینکه اخلاق‌مندی به عنوان سرمایه‌ راهبردی برای مجموعه‌های انسانی مطرح است و پیش‌شرط زندگی اجتماعی کارآمد را تشکیل می‌دهد. و با توجه به اینکه دانشگاه از جمله مهم‌ترین مجموعه‌های انسانی در هر جامعه است، انتقال و ترویج ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی، شکوفا کردن توانایی‌های فردی و اجتماعی و کمک به رشد شخصیتی، عاطفی، رفتاری و فکری دانشجویان نیز دارای اهمیت است. بنابراین، پژوهش حاضر در راستای پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا رابطه‌ای بین میزان هوش اخلاقی با مؤلفه‌های مثبت و منفی تنظیم شناختی هیجان در بین دانشجویان دانشگاه کردستان وجود دارد؟

روش

این مطالعه به روش توصیفی انجام شد. جامعه پژوهش، تمامی دانشجویان دانشگاه کردستان (تقریباً ۹۰۰۰ نفر) شاغل به تحصیل در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ بودند. بر اساس طرح پژوهشی که از نوع همبستگی بود و نیز با توجه به قاعده حد اقل حجم نمونه برای تحقیقات همبستگی که ۱۰۰ نفر ذکر شده است (دلاور، ۱۳۸۲، به نقل از محرابیان و رحمانی، ۱۳۹۶)، تعداد ۲۱۳ نفر از دانشجویانی که قادر و مایل به شرکت در پژوهش بودند، به روش نمونه‌گیری در دسترس از بین دانشکده‌های ادبیات و علوم انسانی، کشاورزی، مهندسی و علوم مطالعه شدند.

به شرکت‌کنندگان در پژوهش، در رابطه با اهداف و نحوه انجام پژوهش توضیحات لازم داده

1. Lau and Idris

شد و رضایت آن‌ها در مطالعه به صورت شفاهی جلب شد. بر محرمانه بودن این اطلاعات نیز تأکید شد و نتایج پژوهش برای آزمودنی‌هایی که تمایل داشتند، جداگانه تهیه شد و در اختیار آن‌ها قرار گرفت.

وضعیت دموگرافیک مانند سن، جنسیت، وضعیت تأهل، مقطع و رشته تحصیلی نیز برای نمونه‌ها ثبت شد.

از دو پرسشنامه هوش اخلاقی و تنظیم شناختی هیجان به عنوان ابزار جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. داده‌های پژوهش با استفاده از نسخه ۲۰ نرم‌افزار SPSS و با روش‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون خطی چندگانه در سطح معناداری ۰/۰۵ تجزیه و تحلیل شدند.

الف) پرسشنامه هوش اخلاقی: لنینک و کیل این پرسشنامه را ارائه دادند که از ۴۰ سؤال در طیف پنج درجه‌ای (هرگز، به ندرت، گاهی اوقات، اغلب و تمام اوقات) تشکیل شده است. پایایی این آزمون با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۴ به دست آمد و روایی صوری و محتوایی و هماهنگی درونی مؤلفه‌های آن را متخصصان تأیید کردند. بیشترین همبستگی درونی بین بخشش و دلسوزی با هوش اخلاقی با $(r=0/86)$ و کم‌ترین همبستگی بین درستکاری با هوش اخلاقی با $(r=0/66)$ است. نتایج تحلیل عاملی مؤلفه‌های هوش اخلاقی نیز نشان داد که درستکاری با بار عاملی (۰/۶۴)، مسئولیت‌پذیری (۰/۸۱)، دلسوزی (۰/۸۴) و بخشش (۰/۸۳) دارای ۸۰ درصد اشتراک هستند که این عامل مشترک را می‌توان هوش اخلاقی نامید (سیادت و همکاران، ۱۳۸۸).

ب) پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان: پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان، یک ابزار خودگزارشی چند بعدی است که گرانفسکی^۱ و همکاران (۲۰۰۶) تدوین کرده‌اند. این ابزار دارای ۳۶ ماده و از ۹ زیر مقیاس تشکیل شده است که برای شناسایی راهبردهای مقابله‌ای شناختی افراد پس از تجربه کردن رویدادها یا موقعیت‌های استرس‌زا و منفی استفاده می‌شود. این پرسشنامه افکار فرد را در موقعیت‌های منفی و ناخوشایند ارزیابی می‌کند. پرسشنامه نظم‌جویی هیجان از ۹ خرده‌مقیاس تشکیل شده است که خرده‌مقیاس‌های مذکور ۹ راهبرد شناختی ملامت خویش، پذیرش،

1. Granefski

نشخوارگری، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت، دیدگاه‌گیری، فاجعه‌سازی و ملامت دیگران را ارزیابی می‌کند. در بررسی مشخصات روان‌سنجی آزمون، گرانفسکی و همکاران (۲۰۰۲) پایایی آزمون را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب برابر ۰/۹۱، ۰/۸۷ و ۰/۹۳ به‌دست آوردند. نسخه فارسی این پرسشنامه را در ایران، بشارت و حسنی اعتبارسنجی کرده‌اند. نتایج مطالعه حسنی دامنه آلفای کرونباخ را از ۰/۷۶ تا ۰/۹۲ و همچنین روایی ۰/۳۲ تا ۰/۶۷ را نشان داد (حسنی و میرآقایی، ۱۳۹۱).

یافته‌ها

شرکت‌کنندگان در این پژوهش ۲۱۳ نفر از دانشجویان سنین ۱۸ - ۳۲ سال بودند که میانگین و انحراف معیار سنی آن‌ها ۲۳/۴۳±۳/۱۶ سال محاسبه شد. جدول ۱ اطلاعات جمعیتی نمونه مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

جدول ۱: توزیع فراوانی اطلاعات جمعیتی در دانشجویان دانشگاه کردستان در سال ۹۵-۱۳۹۴

متغیرها	زیرگروه‌ها	فراوانی	درصد
جنسیت	دختر	۱۶۳	۷۶/۵
	پسر	۵۰	۲۳/۵
سطح تحصیلات	کارشناسی	۷۸	۳۶/۶
	کارشناسی ارشد	۱۳۵	۶۳/۴
رشته تحصیلی	انسانی	۱۰۸	۵۰/۷
	ادبیات و زبان خارجه	۲۵	۱۱/۷
	کشاورزی	۲۶	۱۲/۲
	مهندسی	۱۲	۵/۶
وضعیت تأهل	معماری و هنر	۲	۰/۹
	علوم پایه	۳۷	۱۷/۴
وضعیت تأهل	مجرد	۱۹۲	۹۰/۱
	متأهل	۲۱	۹/۹

در جدول ۲ میانگین، انحراف معیار، کم‌ترین و بیشترین نمرات متغیرهای پژوهش نشان داده شده است.

جدول ۲: میانگین، انحراف معیار، حداکثر و حداقل متغیرهای پژوهش همراه با نتایج آزمون کالموگراف - اسمیرنف برای بررسی نرمال بودن

متغیر	شاخص‌های آماری	میانگین	انحراف معیار	حداکثر	حداقل	سطح معناداری آزمون K-S
هوش اخلاقی	۷۲/۶۶	۸/۲۰	۹۷	۵۱	۰/۸۱	
تنظیم شناختی هیجان مثبت	۴۳/۹۶	۹/۲۰	۶۳	۱۶	۰/۴۱	
تنظیم شناختی هیجان منفی	۴۶/۸۵	۸/۰۲	۵۹	۱۶	۰/۶۵	

جدول ۳ ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون متغیرهای هوش اخلاقی، تنظیم شناختی هیجان مثبت و تنظیم شناختی هیجان منفی در دانشجویان را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بین هوش اخلاقی و تنظیم شناختی هیجان مثبت رابطه مثبت معناداری وجود دارد ($p < 0.01$).

جدول ۳: ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون مؤلفه‌های مثبت و منفی تنظیم شناختی هیجان با هوش اخلاقی

متغیر	۱	۲	۳
۱. هوش اخلاقی	۱		
۲. تنظیم شناختی هیجان مثبت	۰/۵۱۸**	۱	
۳. تنظیم شناختی هیجان منفی	۰/۰۲	۰/۱۱	۱

$P^* < 0.05$ $P^{**} < 0.01$

مفروضه نرمال بودن توزیع فراوانی متغیرها با استفاده از آزمون Kolmogorov-Smirnov (جدول ۲) تأیید شد ($p > 0.05$). مفروضه هم‌خطی چندگانه، نیز بررسی شد (جدول ۴) و همبستگی بین متغیرهای پیشین کم‌تر از ۰/۸۰ بود. بنابراین، این مفروضه نیز تأیید می‌شود. با توجه به معناداری بین متغیرهای پژوهش و رعایت مفروضه‌ها، برای پیش‌بینی متغیر هوش اخلاقی از طریق متغیرهای تنظیم شناختی هیجان مثبت و تنظیم شناختی هیجان منفی از تحلیل رگرسیون چندگانه همزمان استفاده شده است که یافته‌های حاصل از آن در جدول ۴ و ۵ ارائه شده است.

با توجه به مندرجات جدول ۴ نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه همزمان حاکی از آن است

که متغیرهای تنظیم شناختی هیجان مثبت و تنظیم شناختی هیجان منفی؛ متغیر ملاک هوش اخلاقی را، با مقدار $F = ۳۸/۶۱$ در سطح $P = ۰/۰۰۱$ به طور معناداری پیش‌بینی می‌کنند. همبستگی چندگانه بین متغیرها $۰/۵۱$ بوده است، یعنی این مدل رگرسیون نشان می‌دهد که ۲۶ درصد واریانس متغیر هوش اخلاقی از طریق متغیرهای پیش‌بین تبیین پذیر است. جدول ۵ ضرایب مربوط به متغیرها را به تفکیک نشان داده است. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود، مدل رگرسیون دارای مقدار ثابتی با ضریب غیراستاندارد ($B = ۵۳/۵۸$) است و ضریب استاندارد متغیر تنظیم شناختی هیجان مثبت ($B = ۰/۵۲$) در سطح $P = ۰/۰۰۱$ معنادار است. اما ضریب استاندارد متغیر تنظیم شناختی هیجان منفی ($B = -۰/۰۳$) با مقدار آماره $t = -۰/۵۳$ و $p = ۰/۵۹$ معنادار نبوده است. به عبارت دیگر این یافته‌ها نشان می‌دهند که قدرت پیش‌بینی‌کنندگی متغیر تنظیم شناختی هیجان مثبت بالا بوده است، اما تنظیم شناختی هیجان منفی قادر به پیش‌بینی متغیر هوش اخلاقی نیست.

جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه همزمان برای پیش‌بینی هوش اخلاقی از طریق مؤلفه‌های مثبت و منفی تنظیم شناختی هیجان

منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	سطح معناداری	همبستگی چندگانه R	ضریب تعیین (R^2)	ضریب تعیین اصلاح شده (R^2)	خطای استاندارد
رگرسیون	۳۸۳۴/۷۲	۲	۱۹۱۷/۳۶	۳۸/۶۱	۰/۰۰۱	۰/۵۱	۰/۲۶	۰/۲۶	۷/۰۴
باقی مانده	۱۰۴۲۷/۴۶	۲۱۰	۴۹/۶۵						
کل	۱۴۲۶۱/۹۸	۲۱۲	---						

جدول ۵: ضرایب استاندارد و غیراستاندارد متغیرهای پیش‌بینی‌کننده هوش اخلاقی

متغیرهای پیش‌بین	ضریب غیراستاندارد خطای استاندارد	ضریب استاندارد	آماره t سطح معناداری
مقدار ثابت	۵۳/۵۸۸	---	۱۷/۴۲
تنظیم شناختی هیجان مثبت	۰/۴۶	۰/۵۲	۸/۷۷
تنظیم شناختی هیجان منفی	-۰/۰۳	-۰/۰۳	-۰/۵۳

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی میزان هوش اخلاقی براساس مؤلفه‌های مثبت و منفی تنظیم شناختی هیجان در بین دانشجویان دانشگاه کردستان در سال ۹۵-۱۳۹۴ انجام شد. نتایج نشان

داد بین هوش اخلاقی با تنظیم شناختی هیجان مثبت رابطه مثبت معنادار وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه با روش همزمان نشان داد که از بین متغیرهای پیش‌بین، تنظیم شناختی هیجان مثبت توانست هوش اخلاقی را تبیین کند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های همسو است؛ از جمله احمدی و خواجه‌نوخوشلی (۱۳۹۶)، رضایی و حیدریه (۱۳۹۳)، شریف‌زاده (۱۳۹۳)، امانی و همکاران (۱۳۹۳)، مرتضایی و همکاران (۱۳۹۲)، صلاحیان و همکاران (۱۳۸۹)، لوینسون^۱ و همکاران (۲۰۰۶)، لاولر-لو^۲ و همکاران (۲۰۰۸) که بر نقش ضروری هیجان و شناخت بر هوش اخلاقی و مؤلفه‌های آن تأکید دارد.

لاولر و همکاران (۲۰۰۵) نشان دادند بخشودگی به عنوان یکی از مؤلفه‌های هوش اخلاقی به افرادی کمک می‌کند که مورد آزار روانی قرار گرفته‌اند که میزان کم‌تری از استرس و تکانشگری را بروز دهند و بهتر بتوانند با رویدادهای تنش‌آمیز سازگار شوند. نتایج پژوهش دانش‌پژوه و علیرضایی‌پور (۱۳۹۳) نشان داد بین هوش عاطفی و مؤلفه‌های آن و هوش اخلاقی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که افزایش بخشودگی باعث کاهش علائم افسردگی، خشم، کینه و افزایش میزان رضایت از زندگی، احساس همدلی، بهزیستی، سازگاری، شادکامی، مهارت‌های حل مسأله، عاطفه مثبت و سلامت روان و حل تعارضات می‌شود (مک‌کلوک^۳ و همکاران، ۲۰۰۰؛ لوینسون و همکاران، ۲۰۰۶؛ لاولر-لو و همکاران، ۲۰۰۸).

رویگرد ورتینگتون^۴ بخشش را به عنوان جابه‌جایی هیجان‌ناتی نظیر تنفر، کینه، دشمنی، خشم و ترس با هیجان‌ناتی متمایل به مثبت نظیر عشق، همدلی، شفقت یا همدردی تعریف می‌کند (واد^۵، ۲۰۰۹، به نقل از ایمانی‌فر و همکاران، ۱۳۹۱).

انرایت^۶ و گروه مطالعات توسعه انسانی معتقدند که الگوی فرآیند بخشش شامل ۲۰ فرآیند رفتاری و روان‌شناختی است که در هنگام بخشیده شدن یک فرد خاطی در فرد بخشنده رخ می‌دهد. آن‌ها، بخشش را یکپارچگی عاطفی، شناختی و راهکارهای رفتاری می‌دانند که این

-
1. Levinson
 2. Lawler-Row
 3. McCullough
 4. Worthington
 5. Wade
 6. Enright

جنبه‌ها با هم باعث بروز یک پاسخ اخلاقی یعنی بخشش می‌شوند(راینی^۱، ۲۰۰۸، به نقل از ایمانی‌فر و همکاران، ۱۳۹۱).

افراد توافق‌پذیرتر و به لحاظ هیجانی باثبات‌تر خشم و تنفر مداوم کم‌تری را تجربه می‌کنند، تمایل بیشتری به بخشش دارند، زیرا دریافته‌اند که بخشش مکانیسم مناسبی برای حفظ روابط است(نتو^۲، ۲۰۰۷، به نقل از ایمانی‌فر و همکاران، ۱۳۹۱).

از جمله متغیرهایی که ممکن است در شکل‌گیری بخشودگی نقش داشته باشد، هوش هیجانی و معنوی است. امروزه نه فقط جنبه‌های غیرشناختی هوش یعنی توانایی عاطفی، هیجانی، شخصی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد، بلکه در پیش‌بینی توانایی فرد برای موفقیت و سازگاری در زندگی نیز اهمیت دارد(وانگ و لو^۳، ۲۰۰۳).

در زمینه رابطه هوش هیجانی با بخشودگی لوینسون و همکاران (۲۰۰۶) در پژوهشی نشان دادند که برنامه آموزش هیجانی باعث افزایش عواطف مثبت، هوش هیجانی، هوش معنوی و بخشودگی می‌شود.

بعضی از پژوهشگران، فرضیه‌هایی ارائه کرده‌اند مبنی بر اینکه از میان پنج عامل بزرگ، مؤلفه‌های موافقت‌پذیری، ثبات هیجانی و برون‌گرایی با بخشایش ارتباط دارد(والکر و گورساج^۴، ۲۰۰۲، به نقل از بابایی و همکاران، ۱۳۹۶). مک کالاک و وورثینگتون^۵ (۱۹۹۵)، به نقل از بابایی و همکاران، ۱۳۹۶) این باور را دارند که تجربه بخشودگی ممکن است از برخی متغیرهای شخصیتی تأثیر بپذیرد. این تجارب، سبک رابطه‌ای، شناخت‌ها و عواطف را به نفع ابراز بخشایش تغییر می‌دهند. نتایج تحلیل مسیر مطالعه هودسون و ورتایم^۶ (۲۰۰۷) نشان داد که بازسازی هیجان‌ها به عنوان تنها پیش‌بین مستقیم گذشت است. نتایج پژوهش شریفی (۱۳۸۶)، به نقل از امانی و همکاران، ۱۳۹۳) نشان داد که ظرفیت هیجانی بالا به افراد کمک می‌کند که با احترام و گذشت و با آرامش ذهنی بتوانند زندگی کنند. رویکرد هوش هیجانی

-
1. Rainey
 2. Neto
 3. Wong and Law
 4. Walker and Gorsuch
 5. Mccullough and Worthington
 6. Hodgson and Wertheim

می‌تواند افراد را در برابر رفتارهای انحرافی یا خشونت‌آمیز محافظت کند (براکت^۱ و همکاران، ۲۰۰۴، به نقل از تابلی و همکاران، ۱۳۹۶).

مک‌بث^۲ و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی به شیوه فراتحلیل نشان دادند، دلسوزی که یکی از مؤلفه‌های هوش اخلاقی است، با کاهش مشکلات روان‌شناختی و افزایش بهزیستی روان‌شناختی همراه است. همچنین یافته‌های فرامرزی و همکاران (۱۳۹۳)، به نقل از ستوده و همکاران، (۱۳۹۵) نیز نشان داد، دانشجویانی که در رشته‌های علوم پزشکی تحصیل می‌کنند، در صورتی که از هوش اخلاقی بالاتری بهره‌مند باشند، اختلالات روان‌شناختی کم‌تری را گزارش می‌دهند.

نتایج پژوهش آلن و لاری (۲۰۱۰) حاکی از این بود که خوددلسوزی به‌طور مثبت با راهبردهای انطباقی یا سازگار رابطه دارد (آلن و لاری^۳، ۲۰۱۰، به نقل از ویسکرمی و همکاران، ۱۳۹۶). در توجیه این یافته می‌توان به این نکته اشاره کرد که تنظیم هیجان و به خصوص راهبرد ارزیابی مجدد، باعث کاهش احساسات منفی و افزایش احساسات مثبت و رفتار سازگارانه افراد می‌شود (اشکانی و حیدری، ۱۳۹۳، به نقل از ویسکرمی و همکاران، ۱۳۹۶).

در دیدگاه برخی از پژوهشگران، دلسوزی به خود مانند یک ضربه‌گیر در مقابل اثرات وقایع منفی عمل می‌کند. افرادی که دلسوزی به خود بالایی دارند، از آنجا که با سخت‌گیری کم‌تر درباره خودشان قضاوت می‌کنند، وقایع منفی در زندگی را راحت‌تر می‌پذیرند و خودارزیابی‌ها و واکنش‌های آن‌ها دقیق‌تر و بیشتر بر پایه عملکرد واقعی خود است (لاری و همکاران، ۲۰۰۷، به نقل از ویسکرمی و همکاران، ۱۳۹۶).

سازه خوددلسوزی از بسیاری جهت می‌تواند نوعی راهبرد مقابله‌ای هیجان‌محور باشد؛ چرا که به آگاهی هوشیارانه از هیجان‌های خود، عدم اجتناب از احساسات دردناک و ناراحت‌کننده فهم و احساس اشتراک‌های انسانی به آن‌ها نیازمند است. در واقع، افراد در این مدل ابتدا با استفاده از بهوشیاری، تجربه هیجانی خود را می‌شناسند و سپس نگرش مشفقانه‌ای نسبت به احساسات منفی خود پیدا می‌کنند (گیلبرت و ایرونز^۴، ۲۰۰۵، به نقل از ویسکرمی و همکاران، ۱۳۹۶).

1. Brackett
2. MacBeth
3. Allen and Leary
4. Gilbert and Irons

نتایج پژوهش در راستای این یافته تری^۱ و لاری قرار دارد که افرادی که با خود با مهربانی بیشتری رفتار می‌کنند، به احتمال کم‌تری خود را سرزنش می‌کنند و به احتمال بیشتری به مراقبت از خود و بهبود سلامتی خود اهمیت می‌دهند (تری و لاری، ۲۰۱۱، به نقل از ویسکرمی و همکاران، ۱۳۹۶). همچنین نتایج پژوهش گراس^۲ نشان داد که افزایش خوددلسوزی به کاهش سرزنش خود، بهبود سلامت روان و رفتارهای سالم منجر می‌شود (گراس، ۲۰۱۱، به نقل از ویسکرمی و همکاران، ۱۳۹۶).

با توجه به اسلامی بودن جامعه و لزوم رعایت اصول اخلاقی در روابط با دیگران، اهمیت بخشودگی در زندگی اجتماعی مشخص می‌شود. در واقع بخشش در روابط ضروری است و باعث حفظ و پایداری روابط درازمدت، ایجاد صمیمیت و شکوفایی روابط می‌شود (امانی و همکاران، ۱۳۹۳). بخشودگی از طریق مقابله با هیجان‌های منفی و ایجاد چارچوب شناختی و رفتاری مطلوب در زمان کدورت‌ها و رنجش‌های بین‌فردی، به انطباق بهتر و در نتیجه به بهزیستی افراد کمک می‌کند (احتشام‌زاده و همکاران، ۱۳۸۷، به نقل از امانی و همکاران، ۱۳۹۳). این امر نشان می‌دهد که خلق و خو و هیجانات فرد بخشودگی را پیش‌بینی می‌کند. در تبیین این نتایج می‌توان بیان کرد افرادی که هوش هیجانی بالاتری دارند، احتمالاً توانایی درک افراد را در شرایط تعارض و اختلاف‌نظر خواهند داشت و عواطف و احساسات خود را آسان‌تر بروز خواهند داد و مانع از طولانی شدن تعارض می‌شوند، در نتیجه روابط مطلوب‌تر و رضایت بیشتر و تعارضات کم‌تری را تجربه خواهند کرد. اینجاست که توانایی هوش هیجانی به عنوان عامل مؤثر در فرآیند بخشودگی جلوه‌گر می‌شود. در بسیاری از موارد مشخص شد که تنظیم و مدیریت هوشمندانه عواطف به تسلط بر زبان در هنگام خشم و ناراحتی و مهار عواطف منفی، ابراز خشم، عصبانیت و اضطراب منجر شده و برای همین عامل کاهش تعارضات می‌شود (امانی و همکاران، ۱۳۹۳). همچنین نتایج پژوهش‌های (امانی و همکاران، ۱۳۹۳؛ اینگیرسال-دایتون و کروس^۳، ۲۰۰۵) نشان داد بین هوش معنوی با بخشودگی ارتباط معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۸۸) نشان داد نگرش‌های

-
1. Terry
 2. Goss
 3. Ingersoll-Dayton and Krause

مذهبی نیز به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق اسنادهای مسئولیت باعث ارتقاء گذشت می‌شود. نتایج پژوهش توان و همکاران (۱۳۹۴) نشان داد بین هوش معنوی و هوش هیجانی ارتباط آماری معناداری وجود دارد، به طوری که تقویت هوش معنوی باعث بهبود هوش هیجانی می‌شود.

دیدگاه‌های نوین بر ابعاد مختلف تجارب هیجانی در قضاوت اخلاقی توجه دارند (گرین و همکاران، ۲۰۰۱؛ هدیت^۱، ۲۰۰۱). هیجان توسط ساختارهای زیرین قشر مغز کنترل می‌شود و بر دامنه‌ای از پردازش‌های شناختی شامل سوگیری توجه و حافظه، قضاوت و تصمیم‌گیری تأثیر می‌گذارند (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۰). منطبق با این رویکرد، فرآیندهای هیجانی نقش مهمی در تصمیم‌گیری انسان، از جمله تصمیم‌گیری‌های اخلاقی دارند (هدیت، ۲۰۰۷؛ هدیت و بورکلند^۲، ۲۰۰۸). نتایج تحقیق چرس^۳ (۲۰۰۷) نشان داد که شهود/هیجان هر دو به طور خودکار و ناخودآگاه نقش مهمی در قضاوت اخلاقی بازی می‌کند.

گرین (۲۰۰۱) برای تبیین نقش فرآیندهای هیجانی، نظریه فرآیند دوگانه در قضاوت اخلاقی را مطرح کرد که هم اثرات فرآیندهای شناختی و هم فرآیندهای هیجانی در قضاوت اخلاقی شخصی و غیر شخصی را شامل می‌شود. فرآیند اول دربردارنده ارزیابی هشیارانه و منطقی از رویدادهاست که پاسخ‌های سودگرایانه ایجاد می‌کند. اعتقاد بر این است که این سیستم زمانی فعال می‌شود که درگیری شخصی/هیجانی با فرآیند تصمیم‌گیری کاهش یابد. سیستم دوم شامل پاسخ‌های عاطفی و نتیجه شرایط هیجانی موجود در موقعیت است. در این موارد پاسخ‌ها تمایل به غیرسودگرایانه و غیرمنطقی بودن دارند (یوسف و همکاران، ۲۰۱۲، به نقل از حسنی و امیری، ۱۳۹۴).

نتایج پژوهش گرین و همکاران (۲۰۰۱) نشان داد، هر دو عقل و هیجان در قضاوت اخلاقی نقش دارد. نتایج تحقیقات کونیگز^۴ و همکاران (۲۰۰۷) از نقش لازم هیجان‌ات در قضاوت اخلاقی حمایت می‌کند. با توجه به اینکه هوش اخلاقی مسأله‌ای ناهمگون است که تحت تأثیر متغیرهای متعددی قرار دارد، بی‌شک عوامل ارثی، روان‌شناختی و اجتماعی زیادی

1. Haidt
2. Bjorklund
3. Chris
4. Koenigs

در بروز و تشدید آن نقش دارند(محمدی و همکاران، ۱۳۹۳).

همچنین کوینگز و همکاران (۲۰۰۷) معتقد بودند که پردازش هیجان‌های اجتماعی پیش‌نیاز ضروری برای حل اعمال اخلاقی هستند. شواهد نشان داده است که واکنش‌های هیجانی نقش مهم و مثبتی در نظم‌جویی رفتار اخلاقی و اجتماعی بر عهده دارد. هیجان‌ها در انجام یا عدم انجام هنجارهای اجتماعی و اخلاقی مانند صداقت، عمل متقابل و وفاداری نقش دارند. شواهد نیز بیان‌کننده این است که پاسخ‌های هیجانی فقط پیامد ارزیابی اجتماعی و اخلاقی نیستند، بلکه این ارزیابی‌ها را شکل می‌دهند (اشنال و همکاران، ۲۰۰۶، به نقل از ضیایی، ۱۳۸۸، به نقل از شاه‌مرادی‌فر و همکاران، ۱۳۹۳).

کهن^۱ و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهش خود نشان داد که هوش زیست‌شناختی و هیجانی برای ظهور هوش اخلاقی لازم هستند. شواهد به‌دست آمده از مطالعات تصویربرداری عصبی نیز حاکی از این است که بخش مهمی از شناخت اخلاقی به‌وسیله واکنش‌های هیجانی خودکار شکل می‌گیرد(گرین و همکاران، ۲۰۰۴، به نقل از شاه‌مرادی‌فر و همکاران، ۱۳۹۳). کارهای اخیر در علوم اعصاب شناختی و بیولوژی عصبی حاکی از رابطه بین هیجان و قضاوت اخلاقی است (هابنر^۲ و همکاران، ۲۰۰۹). نتایج مطالعات در حیطه قضاوت اخلاقی نشان داده است که در تکالیف تصمیم‌گیری اخلاقی نواحی مغزی مرتبط با فرآیندهای هیجانی (قشر پیش‌پیشانی میانی، شکنج کمربندی خلفی و شکنج گیجگاهی فوقانی) فعال می‌شوند(پرن^۳ و همکاران، ۲۰۰۷). اسنو و جکسون^۴ (۱۹۹۳) استدلال می‌کنند که تمایز میان حوزه‌های شناختی، عاطفی و کرداری تأکیدی است بر اینکه هر یک از آن‌ها تأثیر می‌گذارند و مربوط به یکدیگر هستند و هر یک باید در یادگیری در نظر گرفته شود. شواهد پژوهشی بیان‌کننده این است که موقعیت‌های اخلاقی معمولاً بار هیجانی دارند و هیجان‌ها نیز ارزیابی اخلاقی را هدایت می‌کنند، اما در موقعیت‌های خاص هیجان‌های که با موقعیت‌های اخلاقی مرتبط هستند، ممکن است نیازمند ارزیابی مجدد شناختی برای کاهش پاسخ هیجانی ناخواسته شوند. در واقع نظم‌جویی هیجان ممکن است مهاری باشد که موجب بهبود قضاوت‌های اخلاقی شود(هرنسکی وهامن، ۲۰۰۵، به نقل از شاه‌مرادی‌فر و همکاران،

1. Kohn
2. Huebner
3. Prehn
4. snow and jackson

۱۳۹۳). همچنین اثرات هیجان در شناخت توسط نظریه‌های مختلف تبیین شده و آزمایش‌های مختلفی در زمینه نقش هیجان در قضاوت و تصمیم‌گیری انجام شده است که هیجان مثبت سبب بهبود شناختی و فرآیندهای ارتباطی می‌شود (کلر و پالمر^۱، ۲۰۰۹). همچنین یافته‌های پژوهش حسنی و امیری (۱۳۹۴) بیان‌کننده نقش بارز تجارب هیجانی در فرآیندهای شناختی مبتنی بر قضاوت اخلاقی است. در واقع دو سیستم شناختی و هیجانی در قضاوت اخلاقی مشارکت دارند (گرین و همکاران، ۲۰۰۱؛ کوینگر و همکاران، ۲۰۰۷).

با توجه به اینکه در هر پژوهشی ممکن است محدودیت‌هایی وجود داشته باشد، پژوهش حاضر نیز از این امر مستثنی نبوده است. از جمله محدودیت‌ها، می‌توان به اجرای پژوهش در میان نمونه‌ای از دانشجویان در دسترس در دانشگاه کردستان اشاره کرد. همچنین، در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است و با توجه به اینکه پرسشنامه‌ها جنبه خودگزارشی داشتند، ممکن است در پاسخ‌ها سوگیری وجود داشته باشد. لذا پیشنهاد می‌شود این مطالعه در جوامع غیر دانشجویی و در مناطق دیگر نیز انجام شود تا به نتیجه‌گیری‌های دقیق‌تر منجر شود.

به علت کمبود پژوهش‌های علمی و مدون مناسب، ضرورت انجام پژوهش حاضر و تحقیقاتی از این قبیل احساس می‌شود. با توجه به اینکه هیجان با زندگی افراد درآمیخته است و با توجه به اینکه تأثیرگذاری هیجان‌ها بر نحوه قضاوت و بسیاری از فرآیندهای روان‌شناختی مسلم است، کمبود مطالعات در زمینه روان‌شناسی تجربی مبنی بر بررسی تأثیر عوامل هیجانی و محیطی بر هوش اخلاقی و با توجه به میزان اهمیت دانشجویان به عنوان سرمایه‌های انسانی و اهمیت اخلاق در هر جامعه، انجام پژوهش‌هایی در زمینه هوش اخلاقی و متغیرهای مرتبط با آن و اتخاذ روش‌هایی برای افزایش هوش اخلاقی ضروری است و پیشنهاد می‌شود به بررسی بیشتر موضوعاتی از این قبیل اقدام شود.

تشکر و قدردانی

از تمامی دانشجویان محترم دانشگاه کردستان که در این پژوهش شرکت کرده‌اند، تشکر و قدردانی می‌شود.

1. Clore and Palmer

منابع

- احمدآبادی آرانی، نجمه، احمدی هدایت، حمید و رهنما، اکبر (۱۳۹۶). تحلیل مبانی اخلاق و تربیت اخلاقی در دیدگاه ریچارد رورتی و نقد آن از منظر علامه طباطبایی، *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۱۳(۴): ۱۷۲-۱۴۵.
- احمدی، عاطفه و خواجه‌وند خوشلی، افسانه (۱۳۹۶). بررسی رابطه هوش اخلاقی با تنظیم هیجانی و سازگاری زناشویی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی گرگان سال تحصیلی ۹۴-۹۵، پنجمین همایش ملی راهکارهای توسعه و ترویج علوم تربیتی، روانشناسی، مشاوره و آموزش در ایران، تهران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین. https://www.civilica.com/Paper-PCCONF05-PCCONF05_134.html
- اسماعیلی طرزی، زهرا، بهشتی فر، ملیکه و اسماعیلی طرزی، حمیده (۱۳۹۱). رابطه هوش اخلاقی با میزان اعتماد آفرینی مدیران، *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، ۸(۱): ۸۴-۷۰.
- امانی، ملاحظه، شیرینی، اسماعیل و رجبی، سعید (۱۳۹۳). نقش هوش هیجانی و هوش معنوی در پیش‌بینی بخشودگی دانشجویان، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۱۵(۱): ۸۰-۷۳.
- ایمانی فر، حمیدرضا، فاطمی، جمیله و امینی، فاطمه (۱۳۹۱). بخشش از دیدگاه روان‌شناسی و قرآن کریم، *انسان پژوهی دینی*، ۹(۲۷): ۱۷۵-۱۴۹.
- بابایی، محمدمهدی، خالق‌خواه، علی و ابیلی، خدایار (۱۳۹۶). رابطه ساده و چندگانه ویژگی‌های شخصیتی و سلامت روان با بخشایش (براساس مطالعات انجام شده درباره دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی)، *مجله اخلاق*، ۴۸(۲۶): ۶۲-۴۷.
- تابلی، حمید، مرادی شهربابک، محمدرضا و ایران‌نژاد پاریزی، جواد (۱۳۹۶). تحلیل رابطه فضیلت سازمانی به عنوان یک مؤلفه اخلاقی با هوش معنوی، هوش هیجانی و تعهد سازمانی، *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، ۱۲(۱): ۷-۱.
- توان، حامد، توان، سجاد، احمدی، زهرا و زندنیا، فاطمه (۱۳۹۴). ارتباط هوش معنوی و هوش هیجانی با برخی متغیرهای جمعیت‌شناختی در دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی ایلام در سال ۱۳۹۳، *مجله حکیم سید اسماعیل جرجانی*، ۳(۳): ۷-۱.

جهانیان، رمضان، ساعی ارسی، ایرج و طیبیا، مونا (۱۳۹۲). بررسی وضعیت هوش اخلاقی و ابعاد و مؤلفه‌های آن در دانشجویان (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه خوارزمی)، فصلنامه علوم رفتاری، ۵(۱۵): ۷۲-۵۵.

حسینی، جعفر و امیری، سهراب (۱۳۹۴). عملکرد در قضاوت اخلاقی شخصی و غیر شخصی بر اساس ابعاد تجارب هیجانی زیر آستانه‌ای مثبت و منفی، مجله شناخت اجتماعی، ۴(۸): ۴۸-۶۱.

حسینی، جعفر و میرآقایی، علی محمد (۱۳۹۱). رابطه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان با ایده‌پردازی خودکشی، روانشناسی معاصر، ۱(۱۳): ۷۲-۶۱.

خجسته‌مهر، رضا، کرابی، امین و رجبی، غلامرضا (۱۳۸۸). بررسی یک مدل پیشنهادی برای پیشایندها و پیامدهای گذشت در ازدواج، مطالعات روان‌شناختی، ۴(۱۶): ۱۸۴-۱۵۵.

دانش پژوه، آرش و علیرضایی‌پور، راضیه (۱۳۹۳). بررسی رابطه هوش عاطفی و هوش اخلاقی، اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران، مؤسسه آموزش عالی مهر اروند، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار. http://www.civilica.com/Paper-EPSCONF01-EPSCONF01_467.html

رضایی، آذرمیدخت و حیدریه، طاهره (۱۳۹۳). پیش‌بینی هوش اخلاقی بر اساس هوش هیجانی و الگوهای ارتباطی خانواده در نوجوانان شهر شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

ستوده، حافظ، شاکری‌نیا، ایرج، خیراتی، مریم، درگاهی، شهریار و قاسمی‌جویه، رضا (۱۳۹۵). رابطه بین هوش معنوی و هوش اخلاقی با بهزیستی روان‌شناختی پرستاران، مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، ۹(۱): ۷۳-۶۳.

سمائی، سهیلا، ضیایی، مریم، خداپناهی، محمدکریم و حیدری، محمود (۱۳۹۱). بررسی تأثیر انواع هیجان‌های منفی بر قضاوت‌های اخلاقی در بین دانشجویان، فصلنامه تازه‌های علوم شناختی، ۱۴(۲): ۷۳-۸۶.

سیادت، علی، مختاری‌پور، مرضیه و کاظمی، ایرج (۱۳۸۸). رابطه بین هوش اخلاقی و رهبری تیمی در مدیران آموزشی و غیر آموزشی از دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم

- پزشکی اصفهان؛ ۸۸-۱۳۸۷، مدیریت سلامت، ۱۲(۳۶): ۶۹-۶۱.
- شاه‌مرادی‌فر، طیبه، عبداللهی، محمدحسین و حسنی، جعفر (۱۳۹۳). تأثیر آموزش راهبردهای نظم‌جویی هیجان در قضاوت اخلاقی با توجه به ظرفیت حافظه کاری، *دوفصلنامه علمی پژوهشی شناخت اجتماعی*، ۷-۳۰.
- شریف‌زاده، مظفر (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانش‌آموزان پسر مقطع راهنمایی شهرستان میاندوآب، *اولین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روان‌شناسی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران*، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی، انجمن علمی توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین، http://www.civilica.com/Paper-PSCONF01-PSCONF01_020.html
- شریفی باستان، فرنگیس، یزدی، سیده منور و زهرایی، شقایق (۱۳۹۵). نقش راهبردهای تنظیم شناختی هیجان و عاطفه مثبت و منفی در پیش‌بینی تاب‌آوری زنان مبتلا به سرطان پستان، *نشریه روان‌پرستاری*، ۴(۲): ۴۸-۳۹.
- صالحی، اعظم، باغبان، ایران، بهرامی، فاطمه و احمدی، احمد (۱۳۹۰). رابطه بین راهبردهای شناختی تنظیم هیجان و مشکلات هیجانی با توجه به عوامل فردی و خانوادگی، *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱(۱): ۱۸-۱.
- صالحیان، افشین، صادقی، مسعود، بهرامی، فاطمه و شریفی، مریم (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و بخشودگی با تعارضات زناشویی، *مطالعات روان‌شناختی*، ۶(۲): ۱۴۰-۱۱۵.
- عبدی، سلمان، باباپور خیرالدین، جلیل و فتحی، حیدر (۱۳۸۹). رابطه سبک‌های تنظیم هیجان شناختی و سلامت عمومی دانشجویان، *سالنامه پژوهش علوم سلامت و نظامی*، ۸(۴): ۲۶۴-۲۵۸.
- عیسی‌زادگان، علی، جناآبادی، حسین و سعادت‌مند، سعید (۱۳۹۰). رابطه بین راهبردهای تنظیم شناختی هیجان، خلاقیت هیجانی، عملکرد تحصیلی با بهداشت روانی در دانشجویان، *مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۷(۱۲): ۷۱-۷۱.
- گلی‌پور، صدیقه، حقیقت، سارا و معنوی‌پور، داوود (۱۳۹۳). رابطه هوش معنوی و هوش اخلاقی با معنای زندگی در داوطلبین واکنش اضطراری، *مجله شفای خاتم*، ۲(۴): ۲۹-۲۰.
- مرتضایی، شکوفه، قاسمی پیربلوطی، محمد و احمدی، رضا (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین هوش

- هیجانی، هوش اخلاقی و قانون‌مداری دانش‌آموزان شهرستان شهرکرد، فصلنامه دانش انتظامی چهارمحال و بختیاری، ۱(۳):۲۱-۱.
- محمدی، جواد، غضنفری، فیروزه و عزیزی، امیر (۱۳۹۳). ارتباط هوش اخلاقی با کیفیت زندگی کاری پرستاران، نشریه پرستاری ایران، ۲۷(۹۰):۵۴-۶۴.
- محمدامینی، زرار، نریمانی، محمد، برهمند، تراوشا و صبحی‌قراملکی، ناصر (۱۳۸۷). رابطه هوش هیجانی با خودکارآمدی و سلامت روان و مقایسه آن‌ها در دانش‌آموزان ممتاز و عادی، مجله دانش و پژوهش در روان‌شناسی، ۳۵:۱۲۲-۱۰۷.
- مختاری‌پور، مرضیه و سیادت، علی (۱۳۸۸). بررسی مقایسه‌ای ابعاد هوش اخلاقی از دیدگاه دانشمندان با قرآن و ائمه معصومین (ع)، مجله مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۳(۴):۱۱۸-۹۷.
- محرابیان، طاهره و رحمانی، فاتح (۱۳۹۶). پیش‌بینی شدت بی‌خوابی بر اساس متغیرهای شناختی، هیجانی و صفات شخصیتی پیشنهادی DSM-5 در دانشجویان دانشگاه کردستان در سال ۱۳۹۵، مجله علوم پزشکی رفسنجان، ۱۶(۱۱):۱۰۴۰-۱۰۲۵.
- ویسکرمی، حسنعلی، رضایی، فاطمه و منصوری، لیلا (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش خوددلسوزی شناختی بر راهبردهای تنظیم شناختی هیجان در دانش‌آموزان دختر مبتلا به اختلال اضطراب فراگیر، تحقیقات علوم رفتاری، ۱۵(۱):۵۱-۴۲.
- هاشمی، تورج، عندلیب‌کورايم، مرتضی، پوراسمعلی، اصغر و صالحی حیدرآباد، مجتبی (۱۳۹۰). تأثیر القای خلق بر عملکرد شناختی و رفتاری، راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ۴(۳):۱۰۵-۱۰۱.
- Amstadter, A. (2008). Emotion regulation and anxiety disorders. *Journal Anxiety Disord*, 22: 211-22.
- Chris. (2007). Emotion, Reason, and Moral Judgment. <http://scienceblogs.com/mixingmemory/>.
- Clarken, R.H. (2009). Moral Intelligence in the Schools. Online Submission.
- Clore, G.L. and Palmer, J. (2009). Affective guidance of intelligent agents: How emotion controls cognition. *Cognitive systems research*, 10(1): 21-30.
- Cox, SS., Bennett, RJ., Tripp, TM. and Aquino K. (2012). An empirical test of forgiveness motives' effects on employees' health and well-being. *Journal Occup Health Psychol*, 17(3): 330-340.

- Garnefski, N., Van Den Kommer, T., Kraaij, V., Teerds, J., Legerstee, J. and Onstein, E. (2002). The relationship between cognitive emotion regulation strategies and emotional problems: comparison between a clinical and a non-clinical sample. *European Journal of personality*, 16(5): 403-420.
- Garnefski, N. and Kraaij, V. (2006). Cognitive emotion regulation questionnaire—development of a short 18-item version (CERQ-short). *Personality and Individual Differences*, 41(6): 1045-1053.
- Greene, J. D., Sommerville, R. B., Nystrom, L. E., Darley, J. M. and Cohen, J. D. (2001). An fMRI investigation of emotional engagement in moral judgment. *Science*, 293(5537): 2105-2108.
- Gross, J.J. (2001). Emotion regulation in adulthood: Timing is everything. *Current directions in psychological science*, 10(6):214-219.
- Haidt, J. (2001). The emotional dog and its rational tail: A social intuitionist approach to moral judgment. *Psychological Review*, 108(4): 814-834.
- Haidt, J. (2007). “The new synthesis in moral psychology”. *Science*, 316 (5827): 998-1002.
- Haidt, J. and Bjorklund, F. (2008). *Moral psychology: The cognitive science of morality*, 2, Cambridge, MA: MIT Press, 181-217.
- Hodgson, L.K. and Wertheim, E.H. (2007). Does good emotion management aid in the process of forgiving?. *Journal of Social and Personal Relationships*, 24: 931-949.
- Huebner, B., Dwyer, S. and Hauser, M. (2009). The role of emotion in moral psychology. *Trends in cognitive sciences*, 13(1): 1-6.
- Ingersoll-Dayton, B and Krause, N. (2005). Self-forgiveness: A component of mental health in later life. *Research on Aging*, 27: 267-289.
- Joormann, J., Nee, D.E., Berman, M. G., Jonides, J. and Gotlib, I.H. (2010). Interference resolution in major depression. *Cognitive, Affective, & Behavioral Neuroscience*, 10(1): 21-33.
- Koenigs, M., Young, L., Adolphs, R., Tranel, D., Cushman, F., Hauser, M. & Damasio, A. (2007). Damage to the prefrontal cortex increases utilitarian moral judgements. *Nature*, 446(7138): 908.
- Kohn, N., Eickhoff, S. B., Scheller, M., Laird, A. R., Fox, P. T. & Habel, U. (2014). Neural network of cognitive emotion regulation—an ALE meta-analysis and MACM analysis. *Neuroimage*, 87: 345-355.
- Lawler-Row, K.A., Karremans, J.C., Scott, C., Edlis-Matityahou, M. & Edwards, L. (2008). Forgiveness, physiological reactivity and health: The role of anger. *International Journal of Psychophysiology*, 68: 51- 58.

- Lawler, K.A., Younger, J.W., Piferi, R. L., Jobe, R.L., Edmondson, K.A. and Jones, W.H. (2005). The unique effects of forgiveness on health: An exploration of pathways. *Journal Behav Med*, 28(2): 157-167.
- Levenson, M.R., Aldwin, C.M. and Yancura, L. (2006). Positive Emotional change: Mediating Effects of Forgiveness and Spirituality, *The Journal of Science and Healing*, 2(6): 498-508.
- MacBeth, A. & Gumley, A. (2012). Exploring compassion: A meta-analysis of the association between self-compassion and psychopathology. *Clinical Psychology Review*, 32(6): 545-552.
- McCullough, M.E., Hoyt, W.T. and Rachal, K.C. (2000). *What we know about assessing forgiveness constructs*. In: M.E. McCullough, K.I. Pargament and C.E. Thoresen, Editors, *Forgiveness: Theory, research, and practice*, The Guilford Press, New York, NY, pp. 65-88.
- Ochsner, K. N. and Gross, J.J. (2005). The cognitive control of emotion. *Trends in cognitive sciences*, 9(5): 242-249.
- Prehn, K., Wartenburger, I., Mériaux, K., Scheibe, C., Goodenough, O.R., Villringer, A. and Heekeren, H.R. (2007). Individual differences in moral judgment competence influence neural correlates of socio-normative judgments. *Social Cognitive and Affective Neuroscience*, 3(1): 33-46.
- Rathi, N. and Rastogi, R. (2008). Effect of Emotional Intelligence on Occupational Self- Efficacy. *The Icfai Journal of Organizational Behavior*, 7 (2): 46 -56.
- Snow, R. and Jackson, D. (1993). Assessment of conative constructs for educational research and evaluation: A catalogue. CSE Technical Report 354. Los Angels: CRESST.
- Wong, C.S. and Law, K.S. (2003). The effects of leader and follower emotional intelligence on performance and attitude: An exploratory study. *The Leadership Quarterly*, 13(3): 243-274.

**Predicting the amount of Moral Intelligence based on
Positive and Negative Components of Cognitive
Emotion Regulation**

Mahsa Mosalman¹

MA in Cognitive Psychology, Kurdistan University, Sanandaj, Iran

Mahdi Zemestani

Assistant Professor of Psychology, Kurdistan University, Sanandaj, Iran

Ali Mahdavi

MA in Curriculum studies

Abstract

Moral intelligence is a new concept in the field of science. The present study was aimed at predicting the amount of moral intelligence based on positive and negative components of cognitive emotion regulation among students in Kurdistan University in the academic year 2015-2016. This study was a descriptive one and the statistical population included all Kurdistan university students. The sample consisted of 213 students selected by available sampling method. Moral intelligence and cognitive emotion regulation questionnaires were used as data collection instruments. Components of cognitive emotion regulation were considered as predictor variables and moral intelligence as the criterion variable. Data were analyzed using descriptive statistics, Pearson correlation coefficient and multiple linear regression analysis. The results showed that there is a significant positive relationship between moral intelligence and positive cognitive emotion regulation ($P < 0.05$ and $r = 0.517$). Multiple regression analysis results in the level of 0.01 showed that among predictive variables, positive cognitive emotion regulation could explain moral intelligence. Based on the findings of this research, it can be said that individuals with higher moral intelligence have a positive cognitive emotion regulation. Given that morality is a strategic investment for human collections and forms the precondition for efficient social life, therefore, positive emotion regulation strategies can be useful in promoting moral intelligence.

Keywords:

Moral intelligence, Positive cognitive emotion regulation, Negative cognitive emotion regulation, University students

1. mahsa.mosalman@yahoo.com

received: 2018-09-08 accepted: 2018-01-27

DOI: 10.22051/jontoe.2018.19049.2112